

آسیب شناسی فرهنگی و راهکارهای مقابله با آن

علی اکبر فضلی، دبیر دبیرستان شهید مدرس

شهرستان اهر - استان آذربایجان شرقی

چکیده

موضوع فرهنگ و برخورد های فرهنگی در طول تاریخ وجود داشته ، اما آنچه امروز مهم می نماید، تهاجم و ناتوی فرهنگی و سلطه و غلبه یک فرهنگ بر سایر فرهنگهاست که نمونه بارز آن روند رو به رشد تسلط فرهنگ استعماری غرب بر سایر فرهنگ ها (به ویژه فرهنگ اسلامی) در یکصد سال اخیر است ، لذا در این مقاله سعی بر آن است تا با استفاده از شیوه تحقیق کتابخانه ای و تاریخی ضمن ارائه تعریفی مستدل از فرهنگ و بررسی آسیب های فرهنگی از گذشته های دور و دوران اسلامی و بالاخص بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی مردم ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) روشها و شیوه های برخورد فرهنگی غرب با جهان اسلام و تهاجم و ناتوی فرهنگی که پدیده های عصر حاضر بشمار می آیند و وسیله ای جدید در دست استعمار جدید می باشد، مورد بررسی و کندوکاو قرار دهیم تا با شناخت این آسیب ها و ترفندهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهاجمان فرهنگی، راهکارهای مقتضی و فراخور مقابله با تهدیدات فرهنگی ارائه شود.

این مقاله ابتدا مسائل را بصورت کلی در نظر گرفته سپس به جزئیات آن پرداخته است . مسائل مطروحه در این مقاله جلوه های تهاجم فرهنگی چه بصورت بیرونی و چه بصورت درونی، مصادیق بارز تلاش مغرضانه و اهداف آشکار و پنهان و شیوه ها و روشهای آنها خصوصاً در بعد رسانه ای، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را به تفصیل روشن ساخته و نقاط ضعف و قوت فرهنگی ما و غرب را به تصویر می کشد و سپس برای هر یک به تفکیک راهکارهای عملی و نظری نشان می دهد.

مقدمه

وضعیت جاری کشور گویای این حقیقت است که بخشی از جوانان ما نسبت به گذشته تاریخی و فرهنگ خود بی تفاوت شده اند و در بعضی از آنها یک نوع میل به دنیای غرب و غرق شدن در فرهنگ غربی به وجود آمده است. این رخداد زنگ خطر و هشدار برای مردم، کارگزاران و مسئولان کشور است که با آسیب شناسی دقیق فرهنگی نقاط قوت و مثبت فرهنگ خودی را تقویت و راه های نفوذ فرهنگ منفی بیگانه را سد کنیم. دشمنان با بهره گیری از کلیه امکانات پیشرفته خود نظیر ماهواره، فیلم های ویدئویی و سینمایی، کتاب ها و مجلات، امکانات کامپیوتری و اینترنت، عکس ها و ... در تلاش هستند تا با تشکل های سازمان یافته خود با عنوان ناتوی فرهنگی هویت فرهنگی و تعادل شخصیتی افراد جامعه را مسخ کنند و زمینه را برای سلطه ی فرهنگی خویش مساعد سازند.

بنابراین برای مصون ماندن از شبیخون فرهنگی باید به تدوین استراتژی بلند مدت فرهنگی روی بیاوریم و در تدوین برنامه ی مقاومت فرهنگی، باید دشمنان و مهاجمان را دقیقاً شناسایی کرده، نقاط قوت و توانمندی آنان را بشناسیم، نقاط ضعف و آسیب پذیرشان را ارزیابی کنیم و روش های مبارزاتی و تاکتیک های حمله به آنان را بدست بیاوریم. و همانطور باید نقاط قوت و ضعف فرهنگی و موقعیت و توانمندی موجود خودمان را شناخته و روش های خودمان را نیز مشخص کنیم، آنگاه برنامه ی فرهنگی دراز مدت و کوتاه مدت کشور را برای رویارویی با این تهاجمات تدوین نماییم.

اهمیت و ضرورت آسیب شناسی فرهنگی

امنیت و ثبات فرهنگی و سیاسی، مهم‌ترین و برجسته‌ترین چهره و درونی‌ترین لایه نیاز امروز ملت و دولت، به شمار می‌آید. چرا که مؤلفه قدرت و ثبات فرهنگی و سیاسی هر ملتی بنیادی‌ترین مؤلفه اقتدار و استعداد و لیاقت آن ملت در بستر توسعه و تعالی در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و عقب‌ماندگی در تمامی عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی افراد جامعه را فراهم می‌آورد.^۱

هر گاه آسیب‌پذیری به دو حوزه فرهنگ و سیاست در جامعه راه یابد، سایر حوزه‌ها در چالشی فرساینده و بحران‌زا فرو غلطیده و بستر و فضای مناسبی برای رشد و گسترش تمامی آثار و مظاهر شوم وابستگی، عقب‌ماندگی، مفساد اجتماعی و ناهنجاری‌های گوناگون در کشور را فراهم خواهد ساخت.

آنچه مسلم است، هیچ جامعه و سرزمینی را نمی‌توان مصون و مبرا از آسیب‌ها و بحران‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سراغ گرفت، چرا که امروزه سردمداری و مدیریت ملتها و دولت‌های جهان در اختیار قدرت‌های بزرگ استعماری است و به دلیل سیطره‌ی سیاسی و اقتصادی استعمارگران بر جهان و کنترل دستگاه‌ها و بنگاه‌های عظیم تبلیغاتی، تعلیماتی، تسلیحاتی و اطلاعاتی جهان توانسته‌اند تقریباً تمامی کره ارض را تحت پوشش درآورند. این امر موجب شد که اخیراً ادعای حاکمیت بر دهکده‌ی جهانی و نهادینه نمودن فرهنگ واحد جهانی را طرح و تکرار نمایند، لذا نباید از رشد و گسترش روزافزون ناهنجاری‌ها، آسیب‌ها و بحران‌های پی‌درپی در جوامع مختلف (و از جمله ایران) چندان متعجب گردید.^۲

باید دانست که آسیب‌های سیاسی و فرهنگی متنوع هستند. همچنین رویکرد محققان به این آسیب‌ها نیز تنوعات چندگانه‌ای می‌پذیرد که بنا بر اجرای هر یک از این دیدگاه‌ها، شاهد پیامدهای متفاوتی در اجتماع خواهیم بود. لذا بررسی آگاهی‌های سیاسی، فرهنگی نسل جوان که در معرض مواجهه‌ی مستقیم با

^۱ - انصاری، (۱۳۷۲)

^۲ علیزاده پروین، (۱۳۸۴)

انواع امواج اطلاعاتی ضد و نقیض قرار دارند، از آن حیث اهمیت می‌یابد که پیش‌بینی نحوه‌ی رویارویی آینده سازان کشور را با آسیب‌های نظام، نمود می‌بخشد .

آسیب‌شناسی فرهنگی چیست؟

واژه آسیب‌شناسی از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده و به معنای «بحث مطالعه علل بیماری و عوارض و علایم غیر عادی» می‌باشد.^۳ این اصطلاح در همه رشته‌های علوم، اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی مورد استفاده قرار گرفته شده است. آسیب‌شناسی در زمینه مسائل روان‌شناختی، تربیتی و یا فرهنگی اصولاً به مطالعه و بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز، پدیدآورنده و یا ثبات بخش روانی، فیزیولوژیکی، بیولوژیکی، تربیتی و فرهنگی آفات و آسیب‌های موجود در آن زمینه می‌پردازد.^۴ آسیب‌شناسی فرهنگی به بررسی آفات و آسیب‌هایی می‌پردازد که رنگ و لعاب فرهنگی دارند، و عناصر شکل‌دهنده و سازنده عادات، رفتارها و کنش‌های رایج افراد یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

عوامل، عناصر و آثار تهاجم فرهنگی هنگامی که در زنجیره واحدی در تلاقی با یکدیگر قرار گیرند، فرایند نهادینه شدن آسیب‌های فرهنگی را موجب می‌گردند. نهادینه شدن آسیب‌ها از مخاطره‌آمیزترین پدیده‌های فرهنگی برای هر ملت و آیینی به شمار می‌رود. در این جاست که بالطبع کیان یک نظام و یا یک ملت مورد تهدید جدی آفات و آسیب‌های فرهنگی قرار می‌گیرد و ساختار آن آسیب‌پذیر می‌گردد. در روند تأثیرگذاری عوامل و عناصر آسیب‌رسان، گاهی نقش عوامل و عناصر داخلی به مراتب چشمگیرتر و نافذتر از نقش عوامل و عناصر خارجی و بیگانه است، و گاه برعکس، ترفندها و فتنه‌گری‌های عوامل و عناصر بیگانه و یا قلم به مزدان وابسته مشهودتر می‌باشد.

^۳ - آریان پور عباس و منوچهر، فرهنگ انگلیسی-فارسی.

^۴ - بریجانیان ماری (فرهنگ اصطلاحات و علوم اجتماعی)، ویرایش بهالدین خرمشاهی.

بررسی فرهنگ، اهمیت و ضرورت آن

تا کنون بیش از دویست و هفتاد تعریف از فرهنگ ارائه شده است. کلاید کلوکونی^۵ در پژوهشی مجموعه تعاریف فرهنگ را در دوازده طبقه دسته‌بندی نموده است؛ فرهنگ به مثابه «کل روش زندگی»، «میراث اجتماعی»، «روش تفکر، احساس و اعتقاد مردم»، «ذهنیت رفتار»، «چگونگی رفتار»، «مخزن آموخته‌ها»، « معیار تکرار امور»، « رفتار اکتسابی»، « مکانیسم قواعد هنجاری رفتار»، « تکنیک تطبیق با محیط»، «رسوب تاریخ» و ماتریس رفتار. تحلیل طبقه‌بندی فوق نشان می‌دهد که هر کدام از صاحب‌نظران با توجه به قلمرو، دامنه و میزان حضور فرهنگ در عرصه‌های اجتماعی، مادی و معنوی انسانی تعریف و برداشت خود را از فرهنگ ارائه داده‌اند. در ادامه، بر حسب رویکرد حاکم بر فرهنگ نیز طبقه‌بندی‌هایی صورت گرفت.^۶

تلقی و تعریف فرهنگ از منظر این تحقیق مبتنی بر دیدگاه جامع‌نگرانه است به گونه‌ای که به راحتی می‌تواند با دین ارتباط و تعامل برقرار کند و آن تعریف به شرح ذیل می‌باشد. فرهنگ عبارت است از باورها و ارزشهایی که از جهان بینی انسانها نشأت می‌گیرد و در عرصه‌های مختلف (حیات و زیست اجتماعی و فردی) زندگی متجلی می‌شود. فرهنگ مجموع میراث‌های یک جامعه است که با توالی زمان‌ها و نسل‌ها تشکیل و تعیین یافته و شایستگی انتقال در مکان و زمان را به دست آورده باشد، امروزه دانشمندان جهان فرهنگ را حاصل تجربه انسان می‌دانند و معتقدند که فرهنگ به حقیقت یک شیوه زندگی است و زوال فرهنگ جز از طریق جذب در فرهنگ تازه‌ای که جای آن را بگیرد میسر نیست، فرهنگ تجربه‌ها را ذخیره می‌کند و از نسلی به نسل دیگر می‌سپارد. در اهمیت فرهنگ همان بس که در تعریف انسان گفته‌اند: «انسان حیوان با فرهنگ است» (روح الامینی ۱۳۶۸، ص ۱۴۳) و فصل ممیز آدمی را از سایر حیوانات فرهنگ قرار داده‌اند. اهمیت و قدر و ارزش هر فرد و جامعه‌ای بسته به فرهنگ اوست.^۷

^۵ - clydekluckhohnsmansmirror

^۶ - جانسون، (۱۳۷۸)

^۷ - فصلنامه علمی_ آموزشی فرهنگیان بسیجی، سال چهارم، شماره ۱۰.

با بررسی همه جانبه‌ای که به عمل آمده است با توجه به مسئولیتها و میزان بهره‌مندی هریک از عوامل مؤثر، از امکانات و ظرفیت‌های انقلاب اسلامی عوامل ذیل به ترتیب اولویت در تقویت، بالندگی، رشد و متقابلاً در آسیب‌رسانی به انقلاب اسلامی نقش اساسی دارند :

(۱) مجموعه حاکمیت و قوای سه‌گانه.

(۲) وزارت‌خانه‌های فرهنگی.

(۳) نهادها و سازمانهای دینی وابسته به دولت.

(۴) حوزه‌های علمیه.

(۵) صدا و سیما و سایر رسانه‌ها.

(۶) نهادهای دینی مستقل چون مسجد.

(۷) نخبگان و روشنفکران دانشگاهی.

(۸) مردم

(۹) شرایط و مسائل جهانی.

عوامل فوق به همان اندازه که در صورت ارایه عملکرد مثبت، نقش اساسی در پیشرفت و بالندگی انقلاب اسلامی در جهان دارند ، در صورت اهمال، غفلت، سوء مدیریت و یا به هر دلیل دیگر وظائف خود را در قبال انقلاب اسلامی انجام ندادند یا عملکرد آنها مطابق اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی نبود، باعث خواهد شد که انقلاب آسیب ببیند.

نقش عوامل داخلی در آسیب‌رسانی فرهنگی

همان گونه که در بررسی عوامل سه‌گانه تهاجم فرهنگی اشاره شد ، هنگامی که از عوامل به طور عام، اعم از داخلی و خارجی، سخن به میان می‌آید، منظور آن دسته از عواملی است که در ایجاد آسیب‌ها و یا در زمینه سازی برای بروز و ظهور آسیب‌ها نقش دارد و یا این که به گونه ای برانگیزاننده انواع آسیب‌ها تلقی می‌گردد.

در این جهت ، عوامل شخصیتی نظیر قدرت طلبی، منفعت جویی، لذت گرایی، تجمل گرایی، رفاه زدگی، علم زدگی، محافظه کاری، روشنفکر مآبی و سهل انگاری در مقابل خدشه دار شدن و بی اعتبار کردن اصول و ارزش ها، همه از زمره عوامل آسیب رسان فرهنگی هستند که نهاد و ساختار یک نظام فرهنگی را به مخاطره می اندازند.

برخی از این عوامل، همچون قدرت طلبی و قدرت مداری، منفعت طلبی و لذت جویی، صرف نظر از جنبه شخصیتی، در اندیشه فلسفی غرب، به ویژه در دوره نوگرایی مغرب زمین از مبانی فلسفی و اخلاقی خاصی برخوردارند. نظریه پردازانی از میان نویسندگان و صاحب نظران غربی بوده اند که از خامه اندیشه خام خود این گونه ایده ها را تئوریزه کرده اند و آن ها را از جنبه شخصیتی برای انسان طبیعی جلوه داده اند و به آن ها ساختار شکل و مفهوم فلسفی بخشیده اند، و در بعضی مواقع در جذب افکار دیگران و جلب توجه آنان به نظرات خود موفقیت هایی حاصل کرده اند.

بدین ترتیب، قدرت طلبی، لذت گرایی، و امثال آن ها از صاحبان شخصیت های قدرت طلب، لذت گرا و امثال آنان سر می زند، و این همان خلق و خویی است که وقتی رسوخ یافت انسان را صاحب روحيات خاص می گرداند. به همین دلیل گفت می شود روحیه قدرت طلبی، روحیه لذت گرایی، و... این شخصیت ها و روحيات است که افراد بشری را از یکدیگر متمایز می گرداند و موجب تشخص آن ها می شود، در حالی که همه آن ها از طبیعت و فطرت یکسان و مشترکی برخوردار هستند.

اکنون روشن گردید که چرا آسیب ها و آفاتی را که در ابتدای بحث ذکر شد، در صورتی که رنگ و لعاب فرهنگی به خود بگیرند، باید آن ها را از آسیب های فرهنگی خانه زاد و داخلی بشماریم. اولاً، به این دلیل خانه زاد هستند که کانون پیدایش و مهد پرورش آن ها شخصیت ها و روحيات شکل پذیرفته و رسوخ یافته افراد یک

جامعه است، و ثانیاً به این دلیل از آسیب های فرهنگی داخلی به حساب می آیند که صرف نظر از دخالت عوامل بیرونی و بیگانه در وجود انسان نقش می بندند و رفتار انسان را جهت می دهند.^۸

این روحيات آسیبی و آسیب آفرین تا آنگاه که در پرده استتار حالات درونی افراد بماند و رخ به بیرون ننماید، بر جنبه روانی خود باقی خواهد ماند. اما هنگامی که در تعامل با جامعه آثار عملی خود را بروز داد و زمینه ترویج و سرایت آن به دیگر افراد یا گروه های جامعه را فراهم آورد، شکل فرهنگی - اجتماعی به خود می گیرد و رفته رفته از علایم و مشخصه های فرهنگی بارز یک جامعه به حساب می آید. چنین پدیده ای فرهنگی اغلب به عنوان نمونه، در تصادم و اصطکاک فکری و سیاسی جاری میان جناح های سیاسی که رقبای یکدیگر می باشند به ظهور می پیوندد و از کانال رقابت های غیر معقول و ناموجه به ارکان و کانون اجتماع سرایت می کند. نتیجه این روحيات آسیبی هایی را به دنبال دارد .

مهمترین آسیب های فرهنگی جامعه ما در حال حاضر عبارتند از:

۱. نفوذ اندیشه های بیگانه که این نفوذ ممکن است از طریق دشمنان یا دوستانی که مجذوب آرای دیگران شده اند، صورت پذیرد.

۲. تجدد گرایی افراطی؛ در مقابل تمسک به اسلام ناب، تجدد گرایی افراطی - یا التقاط - و زهدگرایی

منفی قرار دارد. تجددگرایی افراطی تلفیق اسلام با اندیشه های غیر اسلامی برای زیبا جلوه دادن آن می باشد.^۹

۳. دنیا طلبی و اشتغال به زینت های دنیوی

۴. افزایش ارزشهای دنیوی جامعه و فرآیند تبدیل ثروت به ارزش و نابرابری اجتماعی

۵. تأثیر پذیری از جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی دشمن و رجعت تدریجی به ارزشهای

فرهنگی غربی

^۸ - علیزاده پروین، (۱۳۸۴).

^۹ - همان، صص ۹۳ - ۹۰

۶. بحران هویت اجتماعی به ویژه بین نوجوانان و جوانان نسل دوم و سوم انقلاب و گرایش به الگوهای

غربی

۷. فرار مغزها؛ نداشتن برنامه‌ای همه جانبه برای جلوگیری از مهاجرت تحصیل کردگان و متخصصان و

مشخص نبودن مرزهای «تعهد» و «تخصص» باعث ظهور پدیده فرار مغزها به کشورهای دیگر جهان می‌شود.

۸. درگیری و اختلافات سیاسی

۹. کاهش عدم تحمل سیاسی و نداشتن روحیه انتقادی.

۱۰. انتخاب افراد و شیوع تبارگماری در بعضی مسئولیت‌های مهم و حساس.

۱۱. کاهش توجه به عدالت اجتماعی در توزیع قدرت، ثروت.

۱۲. غرق شدن در درگیری‌های داخلی و غفلت از مسائل جهانی.

۱۳. بی‌توجهی به آموزه‌های دین اسلام در تولید ارزش‌های مشترک جهانی .

۱۴. تهاجم برنامه‌ریزی شده دشمنان خارجی جهت انحراف نسل جوان

نقش عوامل خارجی در آسیب‌های فرهنگی

الف- تهاجم و ناتوی فرهنگی و اهداف آن

در عصر حاضر که نظام سرمایه داری به سرپرستی آمریکا، با تک قطبی شدن جهان و فروپاشی رژیم شوروی سابق، یک‌تاز عرصه جهانی شده است، به شکلهای مختلف می‌کوشد تا نظرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را به تمام کشورهای جهان تحمیل کند و فرهنگ واحدی متناسب با منافع دراز مدت خود بر جهان حاکم سازد. از طرف دیگر سایر ملت‌ها نیز در برابر این زیاده خواهی آمریکا برای حفظ و پاسداری از فرهنگ ملی و بومی خود مقاومت می‌کنند. در این میان فرهنگ اسلامی توانسته است در صد سال اخیر در برابر این هجوم مقاومت و اصالت خود را حفظ کند.

بدین ترتیب استعمارگران، اکنون به این نتیجه رسیده اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله درونی آن است. آنان می خواهند ارزشهای مورد پسند خود را، ارزشهای مترقی جلوه دهند و جایگزین معیارهای بومی و فطری ملت ها سازند و از این طریق، بدون هیچ دغدغه ای به آینده منافع خود در این کشورها مطمئن باشند. این جمع بندی، به ویژه در دهه ی اخیر، مبنای فعالیت های سازمان یافته ی گسترده ای قرار گرفته که غرب آنها را ترویج معیارهای تمدن، رشد و توسعه معرفی می کند؛ اما در فرهنگ ملت ها از این اقدامات با تعابیر مختلفی یاد می شود که مفهوم مشترک آنها در تغییر هجوم در تعبیر هجوم فرهنگی نهفته است.^{۱۰}

این عمل (جایگزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی) به شکلی هوشیارانه که بتواند یک ملت و جامعه را نسبت به فرهنگ خود بیگانه و مطیع غرایز بیگانگان کند، عمدتاً تهاجم فرهنگی محسوب می شود.

اینک که به تعبیر مقام معظم رهبری در مرحله استعمار فرانویین بسر می بریم، نمادهای این پدیده شوم در انقلاب های مخملین، تهدید نرم افزاری، تهاجم فرهنگی، جابجایی مسالمت آمیز قدرتها و گسترش شورش های دانشجویی و خیابانی و کارگری رخ می نماید.

در صورتی که جوانان و نخبگان و توده های میلیونی مردم از این هشدارها غفلت نمایند پیامدهای ناگواری چون نابودی و ذلت گریبان جوامع اسلامی را خواهد گرفت.

ب- هژمونی فرهنگی

از اوایل دهه ۱۹۷۰ مفهوم «هژمونی فرهنگی» که با نام آنتونیو گرامشی قرین است، وارد تحلیل فرهنگ شد. از اصطلاح هژمونی برای توصیف روابط سلطه ای استفاده می شود که به عنوان روابط سلطه، مشهود نیست،

^{۱۰} - خرم، ۱۳۷۸ ص ۱۵

متضمن قهر نیست و همراه با رضایت گروه های تحت سلطه است.^{۱۱} مفهوم هژمونی در نزد گرامشی عبارت از شکلی از کنترل اجتماعی است که قدرت فیزیکی یا زور را با اقناع فکری، اخلاقی و فرهنگی و یا در یک کلام رضایت درهم می آمیزد. او می نویسد:

برتری و تفوق یک گروه اجتماعی از دو طریق خود را نشان می دهد: اول سلطه و دوم رهبری فکری و اخلاقی.

گرامشی دو ابزاری را که می توان به کمک آن قدرت را به دست آورد و آن را حفظ کرد زور و رضایت، اقتدار و هژمونی و خشونت و تمدن می داند.

وی برای اعمال هژمونی دو سطح عمده روبنایی را در جامعه مطرح می کند:

۱- جامعه مدنی که منظور از آن مجموعه ارگان هایی که از آنها عموماً به عنوان خصوصی تعبیر می شود؛

۲- جامعه سیاسی یا آنچه دولت نامیده می شود. او جامعه سیاسی عمومی، دولت را سرچشمه سلطه سرکوبگرانه و جامعه مدنی خصوصی را سرچشمه هژمونی می داند.^{۱۲}

از آنجا که فرهنگ بیشتر از آن که به عنوان تجلی زندگی جماعتی محلی و مرتبط با هویت طبقاتی تلقی شود، به عنوان دستگاهی مدنظر قرار می گرفت که در چهارچوب نظام بزرگ سلطه قرار دارد، مطالعات فرهنگی به نقد آثار هژمونیک فرهنگی می پرداختند. این نقدها در آغاز عمدتاً متکی بر اشکالی از نشانه شناسی بود. این عملاً بدان معنا بود که فرهنگ به پیام های مجزا رویه های معنادار یا گفتمان هایی تجزیه می شود که موسسات و رسانه های خاصی آنها را توزیع می کنند.

^{۱۱} - فصلنامه رسانه، شماره اول سال یازدهم. صص ۲۹-۳۰

^{۱۲} - فصلنامه رسانه، شماره اول، سال یازدهم.

وسایل و لوازم تهاجم و هژمونی فرهنگی (ابزار آسیب رسانی)

۱- وسایل ارتباط جمعی

استفاده از رادیو، تلویزیون، ویدئو، سینما، ماهواره، اینترنت و ... و ساخت برنامه های شاد و با جاذبه هنری، مبتنی بر ویژگی های فرهنگ مهاجم با سرعت و جدیت توسط دشمنان انقلاب طرح ریزی و برنامه ریزی می شود که آنان ضمن هدف قرار دادن نسل جوان، سعی دارند آنها را به سمت معیارها و ملاک های مورد نظر خود سوق دهند.^{۱۳} وسایل ارتباط جمعی از مصنوعات فرهنگی بشمار می رود و بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا هر روزه شاهد گسترش کمی و کیفی این وسایل در سطح جوامع و بخصوص جامعه خود هستیم. در جامعه ایرانی کمتر کسی یافت می شود که روزانه با هیچ یک از وسایل ارتباط جمعی برخورد نداشته باشد، با توجه به مزایا و در عین حال مضراتی که این ابزارها دارند، مسئولیت مربیان و معلمان و مسئولان فرهنگی، پرورشی و تربیتی دو چندان مهم و ضروری جلوه می کند.

این ابزار شگرف که مظهر ارتقای تکنولوژیک انسان اند، دارای بیشترین تأثیر فرهنگی در میان تمامی ابزار و فنون جدیدند.

وسایل ارتباط جمعی اهداف فرهنگی خود را در زمینه های زیر دنبال می کنند:

الف) پارادایم قدرت و سیاست

ب) جهانی شدن رسانه های جمعی^{۱۴}

این ابزار چهره جدیدی از قدرت را به وجود آورده که می توان آن را، چهره نامحسوس قدرت دانست و این امر از طریق دو عنصر سرعت و پیچیدگی ممکن است. سرعت، حاصل پیشرفت تکنولوژی و پیچیدگی، ناشی از به

^{۱۳} - رسانه، سال دوازدهم، ش ۴. ص ۵۲.

^{۱۴} - massmedia

هم آمیختن ایده ها و نمادها ی تکنولوژیکی است. این دو عنصر به نوعی موجب پایان یافتن محدودیت های جغرافیایی شده و دورترین سرزمین ها و فرهنگ ها را در دسترس قرار داده اند. این امر بازارهای جدید مصرفی برای سرمایه داری پدید آورده و به جهانی شدن اقتصاد، کمک فراوانی می کند، چرا که رسانه های جهانی نظیر شبکه های ماهواره ای، اینترنت، تلویزیون و سینما بهترین وسیله برای تقویت مصرف گرایی هستند.

ایجاد نیاز به مصرف تا حد زیادی برخاسته از تاثیر نامرئی قدرت است. به گفته ناقدان، رسانه ها روند سیاسی را نیز منحرف کرده و سیاست را به بازی تجاری تبدیل کرده که عزت و حقوق شهروندان را ناچیز شمرده و گفتار و کردار رهبران سیاسی را به باد مسخره می گیرد. رسانه ها در روند سیاسی رفته رفته جای بازیگران صحنه ی سیاست را می گیرند .

۲- جهانی ساختن اقتصاد

یکی از اصلی ترین و موثرترین ابعاد جهانی شدن، جهانی شدن اقتصاد است. در فرآیند جهانی شدن، اقتصاد می خواهد خود را به یک زمینه تبدیل بکند. زمینه ای که مقدمه سرآغاز هر نوع فعالیت جهانی است. واقعیت آن است که امروز اقتصاد به همه حوزه های قابل تصور سرایت کرده و این سرایت تا حدی است که گاه نقش اقتصاد به فراموشی سپرده می شود. اقتصاد مسلط به همراه خودش فرهنگ مسلط ایجاد می کند و سیاست را هم تا حد زیادی تحت تاثیر قرار می دهد. ابزار این تسلط اقتصادی و فرهنگی شرکت های فراملیتی اند.

و در نتیجه جهانی شدن اقتصاد به عنوان اصلی ترین و قویترین جنبه جهانی شدن اقتصاد باعث رشد شرکت های چند ملیتی شد و این شرکت ها نیز در راستای کسب سود تجاری به گسترش رسانه های جمعی و از جمله تلویزیون و ماهواره روی آوردند تا از این طریق بتوانند به سود بیشتر دسترسی پیدا کنند و به پایمال شدن معیارها و ارزش های فرهنگی و انسانی در این راه توجهی نکردند و یا شاید به نفع خود دیده اند و این کار زمینه اصلی جهانی شدن رسانه های جمعی را فراهم آورد.

۳- ترویج نافرمانی مدنی^{۱۵}

مفهوم نافرمانی مدنی نقطه مقابل اطاعت و فرمانبری است و معمولاً به مبارزه بدون خشونت معنای شود، اقدامی است که شهروند یا گروهی از آنها با اتکا به ابزار مسالمت آمیز، در راستای سرپیچی علنی و اعلام شده از قانون، دستور یا فرمانی مقتدرانه، که از مافوق صادر شده ولی به نظر نامشروع می آید صورت می گیرد.^{۱۶}

نافرمانی مدنی در حوزه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، روانی و حوزه ارتباطات و رایانه دارای جلوه های گوناگونی است که توسط مردم و موسسات اجتماعی بکار گرفته می شوند. این جلوه ها با نام های گوناگونی همچون اعتراضات، تحصن ها، اعتصابات، عدم همکاریها، تحریم ها و بی میلی نیروهای مردم شناخته شده اند.

راهکارهای مقابله با تهدیدات و آسیب های فرهنگی

۱- توجه به جنبه تئوریک مدیریت فرهنگی

مشکل مدیریت امروزی جوامع غیراسلامی بیشتر ناشی از نداشتن یک تئوری جامع نگر نظری پشتیبان است. که در کشور با توجه به مبانی اسلامی این مشکل وجود ندارد لذا باید در برنامه های کشوری در مورد استراتژی و راهبرد کلی چند ساله ، تصمیم گیری شود، در مورد داشتن تئوری و مشاوره با تئوریسین ها اهتمام جدی به وجود آید .

دین گریزی امروزی جوان ها و جوامع انسانی عمدتاً به خاطر این است که دستگاه های فرهنگی و فرهیختگان و اندیشمندان جامعه در بیان تئوریک زندگی انسان و هدف آن دچار ضعف هستند. موسساتی که دائم در پی تعیین راهبرد و استراتژی در بخش های مختلف جامعه هستند، فراوانند و تلاش های زیادی هم انجام می شود، ولی تا زمانی که این تلاش ها توسط اندیش مندان و تئوری شناسان اسلامی هدایت نشود، به جای خوبی نخواهد رسید.

^{۱۵} - civil disobedience

^{۱۶} - فصلنامه علمی- آموزشی فرهنگیان بسیجی، سال ششم- شماره ۱۶.

۲- توجه به رسانه های همگانی و مطبوعات

ما برای مقابله با امواج انبوه وسایل ارتباطی غرب که همه چیز ما را هدف قرار گرفته اند، باید به تقویت و پیشرفت «فرهنگ صنعت» توجه بیشتر معطوف بداریم. از جمله مصنوعات فرهنگی مانند تلویزیون و صنعت های وابسته به آن، دانش های کامپیوتری، صنعت ویدئو و بعدها ماهواره، اینترنت و ... بشمار می روند و ضرورت دارد که سیاست های فرهنگی هر چه بیشتر به موضوع صنعت فرهنگ و فرآورده های آن توجه نشان دهند.^{۱۷} با تشکیل اتاق فکر از متفکران، صاحب نظران، روانشناسان و جامعه شناسان و فرهنگیان می تواند شیوه و روشی نوین برای وسایل ارتباط جمعی تدوین کرد که بتواند ضمن خنثی نمودن تهدیدات فرهنگی و اجتماعی دشمن به روشن کردن افکار عمومی کمک بکند و نوعی فرهنگ سازی بکند که همه طرفین و تبلیغات استعماری در برابر آن کم رنگ و کم اهمیت جلوه کند. حذف برنامه های آگهی های تبلیغاتی که خود از برنامه های اقتصادی و فرهنگی دشمنان است، می تواند به انسجام فرهنگی و عدم رشد مصرف گرایی کمک شایانی بکند.

۳- توجه به آموزش و پرورش

بی شک یکی از مهمترین عوامل پیشرفت هر جامعه، آموزش و پرورش آن است و تجربه نشان داده است که چگونگی وضعیت آموزش و پرورش در کشورهای مختلف داستان رشد و انحطاط هر کشور در طول حیات تاریخی آنها است، جامعه ای پیشرفته و فعال است که سیستم آموزشی پیشرفته و مترقی داشته باشد. وزارت آموزش و پرورش به علت زیر پوشش قرار دادن حدود یک چهارم جمعیت کشور بودجه هنگفتی را به خود اختصاص داده است. با توجه به کمبود منابع مالی، انسانی و کسری بودجه، استفاده بهینه از منابع و امکانات موجود از اهمیتی خاص برخوردار است، ولی این بدان معنی نیست که دولت با این منابع آموزش و

^{۱۷} - پهلوان، ۱۳۷۷، ص ۳۳۷

پرورش را به حال خود بگذارد و به بهانه کمبود بودجه و منابع توجهی به ساختار و نیروی انسانی آن نکند. چرا که آموزش و پرورش پایه و اساس پیشرفت و تعالی کشور است، دولت بجای اینکه فرهنگ سازی و مقابله فرهنگی با استعمار بیگانگان را به آموزش و پرورش که وظیفه اصلی آن می باشد محول کند، فرهنگ سازی را به رادیو و تلویزیون و مطبوعات واگذاشته است؛ اگر چه این روش شاید نتیجه کوتاه مدتی بدست بدهد، اما مسلماً در دراز مدت نتیجه ای جز اتلاف منابع مالی نخواهد داشت. لذا توصیه می شود آموزش و پرورش را که بالفعل و بالقوه می تواند ریشه اکثر فسادهای اجتماعی را بخشکاند و حتی با انواع تهاجم فرهنگی، اقتصادی و حتی نظامی مقابله کند، به حال خود رها نکند.

۴- توجه به عدالت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی

یکی از مهمترین و محوری ترین اصول جامعه اسلامی عدالت و دوری از افراط و تفریط در تمام زمینه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و خارجی حتی در دوستی و دشمنی است. قرآن مجید در آیات متعددی بر اجرای عدالت تاکید می کند و حتی مهمترین فلسفه بعثت انبیا را برپایی قسط و عدل می داند و می فرماید: «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و آنها را بر کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام بکنند.» اگر عدالت در میان مردم برقرار شود، چه عدالت اجتماعی، عدالت سیاسی، عدالت اقتصادی و عدالت فرهنگی، آنان از نگرانی های تبعیض و ناعدالتی و از زحمت و رنج و فقر و محرومیت رها شده و به امنیت و آسایش برسند هیچگاه ترفندها و توطئه های فرهنگی و اقتصادی دشمن را نخواهند پذیرفت. امام هفتم فرمودند: «اگر عدالت اجتماعی در میان مردم عملی شود آنان بی نیاز می شوند.»

۵- توجه به آموزه های دینی

شعار معنویت گرایی و بازگشت به تعالیم اصیل اسلامی چون جهاد و شهادت به برکت پیروزی انقلاب اسلامی در هر کوی و برزن در مملکت ایران طنین انداز شده است. فرهنگ ایثار و مقاومت در راه خدا در اعماق وجود مردم ایران بویژه جوانان این مرز و بوم نفوذ و رسوخ کرده است. بنابراین لازم است که متولیان امور

کشور بویژه در بخش فرهنگ رسالت و وظیفه خودشان را در ایجاد و گسترش معنویت و مبانی اخلاقی بکار گیرند و نباید لحظه ای از آن غافل شوند. امام خمینی (ره) مراقبت از این آموزه اسلام عزیز را لازم شمردند و تأکید کردند که: «اسلام اصلاً برای آدم ساختن آمده است و این مکتب های انحرافی آدم را از آدمیتش بیرون می کند. مهمترین چیزی که برای کشور ما لازم است، تعهد اسلامی و تهذیب اسلامی است.»^{۱۸} مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای با عنایت به این روحیه در کشور فرمودند: «آن روزی که این معنویت ضد ارزش به حساب می آمد و مورد استهزا قرار می گرفت، گذشته است. امروز بی دینی و از اعتقاد معنوی تهی بودن یک ضد ارزش است و این ویژگی های عصر حاضر است که امام این مرد بزرگ، پرچم آن را در جهان برافراشت.»^{۱۹} پیامبر اسلام می فرماید: «هنگامی که فتنه ها همانند قطعه های سیاه شب شما را فرا گرفت به قرآن روی آورید.»

بنیادی ترین روش مقاومت فرهنگی، گسترش شناخت معارف الهی و تعمیق باورهای اصیل مذهبی است زیرا فرد «خداشناس» و «خداباور» به «خودآگاهی» و «خودباوری» می رسد و چنین فردی مفتون و مرعوب و مقهور فرهنگ الحادی بیگانه نمی شود. هر فرد مسلمان در زمینه امور مذهبی به سه مقوله ی دانش و بینش و گرایش نیاز دارد که ضعف و نارسایی در هر بخش، شخصیت مذهبی فرد را آسیب پذیر می سازد. بنابراین برنامه های دینی باید تأمین هر سه نیاز باشد تا تعالی بخش و تکامل آفرین گردند.

۶- ترویج روحیه علمی در میان جوانان، معلمان، دانشگاهیان

اگر قرار است علم در جامعه ما نهادینه شود و تولید علم و نظریه تبدیل به یک ارزش رایج گردد که کاملاً سخن حق و صوابی است، باید به احیا و ترویج و تقویت خصلتهای دانشمندان، روحیه علمی و اخلاق اهل علم بپردازیم، ارج نهادن و معرفی دانشمندان سرآمد و پرآوازه جهان و قله های رفیع علم در جهان معاصر، در تمامی رشته ها، به نسل جوان و حتی استادان تازه کار و نوپا بسیار مفید و عبرت آموز است و این کاری است

^{۱۸} - صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۱۱۳.

^{۱۹} - بیانات مقام معظم رهبری در اولین سالگرد رحلت امام راحل ۱۳۶۹/۳/۱۳

که باید با جدیت و حساسیت و به گستردگی پیگیری شود و تحقق پذیرد. از این رو تدوین آداب و قواعد فعالیت های علمی، پژوهشی در قالب یک پروتکل از سوی خود دانشمندان ضروری به نظر می رسد.

پیشنهادات و راهکارهای عملی

- ۱- توجه به تقویت تئوریک مدیریت فرهنگی کشور.
- ۲- نظارت دقیق فرهنگی به رسانه های همگانی و مطبوعات.
- ۳- توجه به آموزش و پرورش و تربیت معلمان حرفه ای
- ۴- برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی
- ۵- استفاده از آموزه های عملی دینی برای آگاهی مردم.
- ۶- ترویج روحیه علمی در میان جوانان، معلمان، دانشگاهیان.

منابع و مآخذ

- ۱- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر. تهران. انتشارت علمی.
- ۲- توسلی، غلام عباس. (۱۳۸۰). نظریه های جامعه شناسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.
- ۳- عزیزاده پروین، حسن. (۱۳۸۴). آسیب شناسی فرهنگی و هفده مقاله دیگر. تهران. نشر قزل قلم.
- ۴- کوثری، مسعود. (۱۳۷۹). آسیب شناسی فرهنگی ایران. تهران. نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۵- برگر، آسا، تکنیک های تحلیل رسانه ها، ترجمه پرویز اجلالی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.
- ۶- جانسون، لزی، (۱۳۷۸)، منتقدان فرهنگ، ترجمه ضیا موحد، انتشارات طرح نو، تهران.
- ۷- دورنیگ، سایمن، (۱۳۷۸)، مطالعات فرهنگی، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات موسسه فرهنگی آینده پویان، تهران.
- ۸- فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی (رسانه)، سال یازدهم، شماره یک، بهار ۱۳۷۹.

- ۹- فصلنامه علمی- آموزشی فرهنگیان بسیجی، سال چهارم- شماره ۱۰.
- ۱۰- نشریه ماهنامه آموزشی- تربیتی پیوند، شماره ۳۱۳، سال ۱۳۸۴.
- ۱۱- فصلنامه علمی- آموزشی فرهنگیان بسیجی، سال ششم، شماره ۱۶.
- ۱۲- دو ماهنامه علمی- آموزشی فرهنگیان بسیجی، سال پنجم، شماره ۱۲.
- ۱۳- هوشمند، فتح اله، (۱۳۳۵)، فلسفه آموزش و پرورش، جلد ۱، دانشگاه تهران.